

فرهنگ و شخصیت

(بانگاهی بر فرهنگ و شخصیت خودمان)

سید مهدی ثریا



قصیده سرا



قصیده سرا

فرهنگ و شخصیت
مهدی ثریا

ویراستار: سهیلا هاشمی

طرح جلد: فرزانه ممبینی

نظارت فنی: نقی سیف

حروفنگاری و صفحه‌آرایی: انتشارات قصیده سرا

چاپ اول: ۱۳۸۴

چاپ: سحاب

تعداد: ۱۵۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

۲۸۰۰ تومان

تلفن: ۷۵۳۰۳۵۳ - ۷۵۳۲۴۲۵

صندوق پستی ۶۳۵۴ - ۱۵۸۷۵

پست الکترونیک: ghasidehsara@hotmail.com

ثریا، مهدی، ۱۳۰۷-

فرهنگ و شخصیت (با نگاهی بر فرهنگ و شخصیت خودمان)

/ مهدی ثریا. - تهران: قصیده سرا، ۱۳۸۴.

۲۵۶ ص.

ISBN 964-8618-07-0: ۲۸۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیفا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. شخصیت و فرهنگ. ۲. رفتارگرایی. الف. عنوان.

۱۵۰/۱۹۴۳۴

BF۶۹۸/۹/۴ث

۸۳-۲۳۵۳۸ م

کتابخانه ملی ایران

فهرست

پیشگفتار	۷
فرهنگ	۱۷
شخصیت	۳۵
شخصیت شایع	۴۰
منش ملی	۴۴
الف - شناخت انسان از رابطه خود با طبیعت	۵۳
۱. طبیعت چیره بر انسان	۵۳
۲. انسان چیره بر طبیعت	۵۷
ب - ارزشها	۶۹
ج - فقر	۷۳
د - انگاره محدودیت مطلوبها	۷۸
صفای باطن (مطالعه‌ای در روابط متقابل چند صفت آرمانی ایرانیان)	۸۱
اشاره‌ای به روش مورد استفاده در این پژوهش	۸۱
قابلهای توصیف قطبهای شخصیتی	۸۵
۱. درویشی	۹۲
۲. لوطی‌گری	۹۶
خشمونت و سرسختی	۹۷

۱۰۰	رابطه درویشی و لوطی‌گری: صفای باطن
۱۰۴	۱. درویش درون
۱۰۷	۲. لوطی برای دیگران
۱۱۰	۳. شکست ظاهر
۱۱۲	تعمیق ابیام
۱۱۴	نتیجه
۱۱۸	خطوطی از چهره فرهنگ ایران
۱۲۳	۱. فرهنگ سراب
۱۵۱	۲. فرهنگ بی‌ثباتی
۱۵۹	۳. فرهنگ اضطراب
۱۷۶	۴. فرهنگ واسطه
۱۹۹	۵. فرهنگ صدف‌ساز
۲۰۱	فرهنگ آزارجویی
۲۱۵	عامل ریشه‌ای

پیشگفتار

حسن بصری در یکی از مواعظ خود می‌گوید: «به اقوامی برخوردیم که اگر شما آنها را می‌دیدید می‌گفتید که دیوانگان‌اند و اگر آنها شما را می‌دیدند می‌گفتند: شیاطین‌اید»^۱.

لطفاً به دو واقعه زیر که در دو نقطه جهان روی داده است، توجه کنید:
● مجله تایم، ۲ اوت، ۱۹۷۱ (۱۱ مرداد ۱۳۵۰)، صفحه ۳۷.

اوگاندا: ظلم عریان

در بین قبایل اصلی اوگاندا، که تعدادشان از دوازده یا سیزده بیشتر نیست، قبیله کارامو چونگ از همه فقیرتر و ابتدایی‌تر است. دویست و هشتاد هزار نفر از مردمان این قبیله، در فضایی به مساحت چهار هزار مایل مربع در زمینی شنی و کم حاصل به سر می‌برند. آنان غیر از نيزه‌های سر فولادین خود، فقط با معدودی ابزار آشنایی دارند. خوراکشان تقریباً منحصر به مخلوطی از شیر و خون دل‌مه شده است و جز، گاوهای همیشه تشنه خود، سرمایه‌ای ندارند. آنچه این روزها باعث ناراحتی کارامو چونگ‌ها شده، نظر اصلاحی حکومت نوآور آنها در کامپالا، پایتخت دور افتاده

۱. علی اصغر حلبی، شناخت عرفان و عارفان ایرانی، تهران، انتشارات زوار، چاپ سوم، ۱۳۶۷، ص ۱۲۳.

کشورشان است. این حکومت با وجود فقر و عقب ماندگی مردم آنچه را زشت و نیازمند تغییر می داند، لخت بودن آنهاست.

زنهای کارامو چون گاهی اوقات لنگی کوچک یا پیشبندی که از مهره های متعدد ساخته شده به جلوی خود آویزان می کنند اما مردها بجز گوشواره و گردنبند یا استفاده از بازوبندهای فلزی با یک پر عقاب که به سر خود می زنند، حاضر به تحمل چیزی بر تن خود نیستند.

ژنرال ایدی امین (بابا گنده) رئیس جمهور پر حرارت اوگاندا، با این فکر که برهنگی مردم، باعث سرافکندگی کشورش شده فرمان داده است تا مردم کارامو چون گ پیراهن و شلوار و کفش بپوشند. به نظر کارامو چون گ ها این فرمان رئیس جمهور ظلمی فاحش و فشاری روشن و عریان بر مردم است. در دهات وقتی کدخداها می خواستند اعلامیه امین را مبنی بر اینکه «عریان بودن نه به نفع شما و نه به نفع جمهوری شماست» بخوانند با مقاومت اهالی رو به رو شدند و صدایشان در فریادهای اعتراض اهالی خاموش شد و چند نفری هم که چیزی به تن کرده بودند با فشار برهنه ها مجبور شدند لباسهای خود را بخورند. مقاومت و اعتراض مردم دهات به شورش انجامید که دولت برای رفع آن مجبور شد به موروتو، مرکز خاک آلوده این ناحیه، نیروی انتظامی گسیل دارد.

امین که در ژانویه گذشته با یک کودتا، آپولو میلتن اوبوتو را برکنار و خود به جای او نشسته بود، بشخصه برای تبلیغ لباس پوشیدن به نقاط غائله زده مسافرت کرد. بعضی از مردم حرف او را شنیدند و لباس به تن کردند اما چند روز بعد از مسافرت رئیس جمهور، بیماری وبا شیوع پیدا کرد و عقیده و ظن قدیمی مردم که لباس فقط می تواند پوشاننده بیماری باشد، تقویت گردید. تا این زمان، شمار تنها کسانی از مردم کارامو چون گ که رئیس جمهور توانسته به آنها لباس بپوشاند، متجاوز از صد و بیست نفری است که همه آنان به اتهام ایجاد بلوا و شورش، توقیف و محاکمه شده و به شش ماه زندان با لباس محکوم گشته اند.

● روزنامه کیهان بین المللی، تهران، ۲۴ اوت ۱۹۷۰ (سه شنبه ۲ شهریور ۱۳۵۰)، صفحه اول:

«دیروز صبح در خیابان قوام دفتر، قشقره‌ای بر پا شده بود. زنهای لخت از حمام بیرون دویده در اطراف به دنبال محل سر پوشیده‌ای می‌گشتند. باعث این قشقره مردی لخت بود. در خیابان، رفتگران و عابروانی که با جیغ و فریاد زنان برهنه و غش کردن و به هم خوردن حال آنان مواجه شده بودند، جریان را به نزدیکترین ایستگاه پلیس اطلاع می‌دهند. وقتی پلیس به محل آشوب می‌رسد، رفتگران، مردی برهنه و مسیت را که از حمام زنانه بیرون کشیده بودند، به مأموران تحویل دادند. در کلانتری، قلی بابایی توضیح داد که شب پیش با عده‌ای از دوستان خود تا سحر مشروب خورده بود و صبح می‌خواست قبل از رفتن به خانه، برای اینکه حالش جا بیاید، به حمام برود. بابایی اظهار داشت: «من لباسهایم را کندم و به جای اینکه به قسمت مردانه بروم، دیدم در وسط عده‌ی زیادی از زنان لخت و عور که مرتب جیغ می‌کشیدند، گرفتار شدم».

تفاوت سلاقی و رفتارها، در بین مردم جهان، متعدد و بسیار است. برای تأکید بر وجود این تفاوتها به چند مورد دیگر اشاره می‌کنیم. تصور خوردن خون برای ما ایرانیان وحشت‌انگیز و نفرت آور است و در بسیاری از قبایل خاوری افریقا خوردن خون گاو به تنهایی یا مخلوط با شیر، امری معمول و مطلوب است.^۱ در جزایر اندمن،^۲ گوشت مار، خوک و موشهای بزرگ مطبوع و مطلوب است؛ در حالی که پرنده‌های خوردنی

1. Frederick j. Simoons, *Edt Not This Flesh, Food Avoidance in the Old World*, Madison, Wisconsin, The university of Wisconsin Press, 1967, P.60.

۲. جزایر آندمن در اقیانوس هند، باختر قسمت جنوبی برمه و شمال جزایر نیکوبار قرار دارند.

در آنجا کم نیست اما بومیان بندرت آنها را شکار می‌کنند یا می‌خورند.^۱ در موارد بسیاری حرکات مشابه در نقاط مختلف جهان، معانی متفاوت دارند و باعث انگیختن حالات عاطفی غیر مشابه در افراد می‌شوند. مثلاً در ایران مشت کردن دست و بالا نگهداشتن انگشت شست معنای فحش می‌دهد و بیننده را خشمگین و ناراحت می‌کند؛ همین حرکت در امریکا و نقاط دیگری از جهان معانی «به به، آفرین و بارک الله» است. در ایران و امریکا، وقتی کسی می‌گوید «می‌خواستم تو را درسته بخورم» یا «قورتش بدهم» علاقه بسیار خود را به کودک یا فردی بزرگسال و بانمک بیان می‌کند؛ در چین، با همین حرف، نفرت خود را از دیگران بیان می‌دارد. همچنین در چین، بیرون آوردن زبان از دهان نشانه متعجب بودن است. در بین امریکایی‌ها خارا نیدن گوشها و گونه‌ها علامت خجالت کشیدن از کاری است که سهوی انجام شده و نباید می‌شده و برای چینی‌ها نشانه خوشحال بودن است.^۲ به نظر ما ایرانیان و بسیاری از مردم نقاط جهان، در موقع از جا بلند شدن و ایستادن هنگام ورود شخص صاحب مقام یا سالخورده، نشانه احترام به اوست، اما بومیان «فی جی» و «توتنگان» (جزایری در اقیانوس آرام) درست بر خلاف این رفتار می‌کنند؛ یعنی برای احترام به شخصی که بر آنان وارد می‌شود اگر ایستاده‌اند، می‌نشینند. در جنوب هندوستان «تودا»ها برای ادای احترام به یکدیگر کف دست راست را بالا می‌آورند و انگشت شست را بر بینی می‌گذارند و همین عمل در امریکا کاملاً معنای مخالف دارد و فحش و توهین به حساب می‌آید.^۳

1. Brown A. Radcliff, "The Andaman Islanders" in Carleton B. Coon, *A Reader in Anthropology*, New York: Henry Holt and Company, 1948, P. 181.

2. Otto Klineberg, "Emotional Expression in Chinese Literature", in Don E. Dulany Jr. et al, *Contribution to Modern Psychology*, New York: Oxford University Press, 1958, P. 265.

3. Stewart Henserson Britt, *Social Psychology of Modern Life*, New York: Rinehart & Co. Inc, 1950, P. 150.

علت این تفاوتها چیست؟ ما می‌دانیم که کاراموجونگ‌ها و ساکنان خیابان قوام دفتر، بومیان جزایر اندمن، مردمان قبایل افریقای خاوری و چینی‌ها در اصل بشر بودن با هم برابر و یکسان‌اند. چطور است که تصور پوشیدن لباس در یکی نفرت و خشم و عریانی و احساس برهنگی، در دیگری وحشت و آشفتگی ایجاد می‌کند؟ پاسخ به این سؤالات مشکل نیست. رفتار و تظاهرات احساسی کاراموجونگ‌ها و ساکنان قوام دفتر، مطلوب بودن مواد غذایی مشابه در نقاط مختلف جهان و معانی متفاوت حرکات دست، سر، صورت و اندامهای بدن، مبتنی بر عادات، رسوم، ارزشهای اخلاقی و طرز تفکری است که انسانها از روش زندگی، یعنی از فرهنگ جامعه خود، فراگرفته‌اند. رفتار مردم، در هر کجای دنیا، متأثر و شکل گرفته از طرز فکر آنهاست و رفتار و طرز فکر هر فرد، مایه‌های اصلی شخصیت او را تشکیل می‌دهند.

ما همیشه در ضمن جست‌وجو برای پی بردن به علت رفتارهای گوناگون انسانها در نقاط مختلف جهان، با ارتباط متقابل دو عامل سر و کار داریم. یکی فرهنگ یا شیوه زندگی جامعه و دیگری روان مردمی که در آن جامعه به سر می‌برند. در اینجا منظور از روان، مجموعه مرتبط و به هم پیوسته عواملی است که ویژگیهای فکری، عاطفی^۱ و رفتاری مشخص را به وجود می‌آورند. این عوامل عبارت‌اند از: حواس، ادراکات، تخیلات، تفکرات، محفوظات فکری، قضاوتها، خواستهها و نخواستنها، رفتارهای آگاه و ناآگاه و شناسایی شخص از خود.

۱. عاطفه، حالت احساسی خاصی است که با فعالیتهای بدنی و غده‌ای همراه است. تعریف کردن این نوع احساسها آسان نیست اما به‌طور کلی دانشمندان، هر یک از احساسهای زیر را عاطفه می‌دانند: ترس، خشم، شادی، نفرت، رحم، محبت و نظایر اینها. در ایجاد هر یک از این احساسها منظومه مغز و اعصاب دخالت دارند. عاطفه‌ها عوامل محرکه اعمال و رفتار انسان‌اند، مثلاً عاطفه ترس، انسان را به فرار از محل یا موقعیت ترس آور وامی‌دارد.

بنابراین، برای فهم اینکه چرا در نقاط و جوامع مختلف جهان، رفتار و طرز تفکر انسانها با هم فرق دارد؛ می‌توانیم با استفاده از روش مقارنه و مقایسه به مطالعه ارتباط بین فرهنگ و شخصیت، به‌طور کلی بپردازیم. از سالها پیش پژوهشهای تطبیقی، یعنی مقارنه و مقایسه موارد با هم، نشان داده است که حالات احساسی، درکها، تشخیصها و برداشتهای مردم از رویدادها تحت تأثیر فرهنگی است که در آن رشد یافته‌اند. مثلاً، در سال ۱۹۳۲ در دانشگاه کمبریج انگلستان، یکی از قصه‌های سرخپوستان امریکای شمالی برای عده‌ای از دانشجویان نقل شد. وقتی از آنان خواسته شد که همان قصه را بازگو کنند، مشاهده شد که هر کدام تحریف و تغییری در متن قصه وارد کرده‌اند. این تغییرات، هماهنگی خاصی با تربیت و یادگیریهای فرهنگی آنان داشت و با علاقه‌ها و تجربیات زندگی‌شان تطبیق می‌کرد.^۱ مطالعات روانپزشکی در فرهنگهای مختلف نیز گویای اهمیت و نقش فرهنگ در تعیین شکل و خصوصیات اختلالات روانی است. مثلاً، دو نفر از محققان گزارش داده‌اند که هندی‌ها، افریقایی‌ها و ژاپنی‌های مبتلا به بیماری شیزوفرنی^۲ خشونت و

1. De Vos George and Arthur A. Hippler, "Cultural Psychology: Comparative Studies of Human Behavior", in Gardner Lindzey and Elliot Arenson (ed), *Handbook of Social Psychology*, 2nd edition, Vol.4, Reading, Massachusetts, Addison-Wesley Publishing Company, 1969, P.334.

۲. شیزوفرنی، واژه‌ای است مرکب از دو بخش، یکی «شیزو» که در زبان لاتین جدید به معنای «شکاف و بریدگی» است و در اصل، از زبان یونانی گرفته شده که معنای «بریدن و شکاف دادن» را می‌دهد. دیگری «فرنی» که از قرن در زبان یونانی به معنای «فکر و احساس» گرفته شده است. بدین ترتیب ترجمه تحت الفظی این واژه به فارسی، می‌تواند شکاف در فکر و احساس یا شقاق در شخصیت باشد. این نام را در سال ۱۹۱۱ یک روانپزشک سوییسی به نام «بلولر» برای بیماری فکری و روانی انتخاب کرد که به آن جنون می‌گفتند. البته «شقاق در فکر و احساس» توصیف مناسبی برای آن دسته از اختلالات روانی و فکری که شیزوفرنی نامیده می‌شود، نیست؛ با این حال، امروزه این

پرخاشجویی کمتری از خود نشان می دهند تا امریکایی های مبتلا به همین بیماری^۱. همچنین یک روانپزشک افریقایی گزارش داده است که بیماری «توهم»^۲ در بین مردمان «یوروبا»^۳ کمتر به صورت توهم بزرگ و مهم بودن جلوه می کند. در بین آنان این بیماری بیشتر به شکل توهم زجر و آزار ظاهر می شود؛ این بدین علت است که فرهنگ یوروبا مردم را کاملاً «پیرو و مطیع روشهای زندگی اجدادشان بار می آورد و احساس کوچکی و حقارت را در مقابل میل و خواست اجداد، در ساختمان فکری و احساسی هر فرد عجمین می کند. در چنین فرهنگی طبعاً امکان توهم زجر و شکنجه به مراتب بیشتر است تا توهم بزرگی و اهمیت»^۴. همچنین مطالعات تطبیقی درباره این بیماری، گویای این مطلب است که ابتلا به توهم خود بزرگ بینی در اروپا بیشتر از همین توهم در امریکا است.^۵

مطالعه دیگری روی بیماران مبتلا به هذیان^۶ در امریکا و ایتالیا، نشان

→ واژه را به طور عموم، برای آن دسته از نابسامانیهای فکری و احساسی به کار می برند که مشخصه آن، اختلال اساسی در رابطه فرد با واقعیات جهان خارج و جریانات فکری و عاطفی اوست.

1. Eric and J. Fried Witt Rower, "A Cross-Culturall Approach to Mental Health Problems", *American Journal of Psychiatry*, Vol.116,1959,P.425.

۲. بیماری «توهم»، آشفتگی نظم روانی است که در آن بیمار خود را بزرگتر و مهمتر از آنچه هست فرض می کند و یا خیال می کند که زیر فشار و شکنجه قرار دارد و بر این فرض و خیال آن چنان پافشاری می کند که توانایی ارتباطهای روزمره و معمولی با دیگران و محیط اجتماعی اش را از دست می دهد.

۳. Yoruba. مردمی که در جنوب باختری کشور نیجر در افریقا به سر می برند.

4. Lambo T. Adeoye, "The Role of Cultural Factors in Paranoid Psycholosis Among the Yoruba Trib", *Journal of mental Scienc*, Vol.101,1955,P.251.

5. Alan A. Stone, and Sue Smart Stone, *The Abnormal Personality Through Literature*. New Jersey, Englewood Cliffs: Prentic-Hall, Inc,1966,P.69.

۶. هذیان (Delusion)، باور داشتن به وجود چیزهایی که وجود ندارد و اتفاقاتی که روی نداده اند. توهم (Hallucination)، احساس چیزی است که وجود ندارد مثل شنیدن

داده است فرهنگی که بیماران در آن پرورش یافته‌اند، در تعیین نوع تصور و گمانِ بی‌پایه و اساس (یعنی هذیان) بیماران، عامل مؤثر و اساسی بوده است. در این پژوهش، نوع هذیان عده‌ای از بیماران امریکایی با نوع هذیان عده‌ای از بیماران در جنوب ایتالیا، مقارنه و مقایسه شده و مشاهده گردیده است که بیماران امریکایی بیشتر از آنکه آدمهای واقعی را عاملان آزار و شکنجه خود بدانند، امور انتزاعی^۱ اجتماعی چون کمونیست‌ها، وسایل ارتباط جمعی و تبلیغاتی و مؤسسات پزشکی و درمانی را عامل آزار خود معرفی می‌کنند؛ مثلاً می‌گیرند کمونیست‌ها، اداره مالیات یا شرکت‌های بیمه در تعقیب و آزار و شکنجه آنها هستند. در جنوب ایتالیا مبتلایان به هذیان، بیشتر، افرادی را که در زندگیشان به طور واقعی وجود دارند؛ مثل اعضای خانواده، همسایه‌ها و همکاران شغلی و حرفه‌ای را عامل رنج‌ها و آزارهای خود معرفی می‌کنند و موضوعات انتزاعی چون کمونیسم، تبلیغات، امور کلی و مؤسسات خدماتی را به خودی خود و به طور مستقیم عامل آزار و شکنجه‌های خود نمی‌دانند و برای آنها اهمیت و تأثیر بسزایی قائل نیستند. همچنین مشاهده شده است که در زلاندنو، موارد روان‌پریشی شیدایی - افسردگی^۲ بیشتر از شی‌زوفرنی و در ایالات

→ صدایی که نیست یا دیدن منظره یا موجودیتی که وجود ندارد و یا استشمام بویی که در فضا نیست.

۱. انتزاع یکی از فعل و انفعالات ذهن است که جنبه یا کیفیتی از چیزی را جدا از خود آن چیز به نظر می‌آورد و آنچه به نظر می‌آورد چیزی نیست که بتوان آن را با دست لمس کرد یا با چشم دید. مثلاً وقتی می‌گوییم «صدافت»، منظورمان کیفیت انطباق کامل هر چیز موجود با نمود و نماد و نمایش آن است و کمونیسم و سرمایه داری و بیمه مفاهیمی هستند که مثل سنگ و چوب و درخت و حیوان مصداق جسمانی ندارند و نظم و ترتیب‌هایی هستند که برای زندگی و برآوردن نیازهای جمعی به وجود آمده‌اند. نقاشی‌های نظیر نقاشی‌های پیکاسو را از آن جهت انتزاعی می‌گویند که مثلاً در تصویر یک گل، آنچه به ما عرضه می‌شود شکل و ویژگی‌های مادی گل نیست بلکه چگونگی حالتی در گل است که نقاش در گل احساس کرده است.

۲. «شیدایی - افسردگی»، به برخی از حالات روان‌پریشانه اطلاق می‌شود که نشانه آن

متحدہ امریکا موارد شیزوفرنی بیشتر از شیدایی - افسردگی است. در کنیا و ایالت باہیا^۱ در برزیل، کسانی که برای مشکلات روانی به بیمارستان ارجاع شده‌اند، تعداد کمی از آنان به بیماری افسردگی مبتلا هستند. به نظر می‌رسد علت آن این است که در این دو نقطهٔ جهان، تشکیلات اجتماعی و گروهی نقش بزرگ و مؤثری در حل مسائل فردی مردم دارند و در نتیجه، مردم در رویارویی با مشکلات و ناکامیهای خود، کمتر خویشتن را مقصر می‌دانند و احساس گناه می‌کنند و در نتیجه، کمتر مبتلا به افسردگی می‌شوند.^۲

آنچه تا اینجا گفته شد اشاره‌های کوتاهی بود به واقعیت وجود ارتباط بین فرهنگ و ویژگیهای فکر و رفتار (یعنی شخصیت) مردم در جوامع مختلف. شناخت عمیقتر این ارتباط، آشنایی بیشتری را با عوامل آن، یعنی با فرهنگ و یا شخصیت و همچنین با مفاهیم برآمده از ارتباط این دو مفهوم می‌طلبد. از این روی اکنون به تبیین مفاهیم «فرهنگ»، «شخصیت»، «شخصیت شایع» و «منش ملی» می‌پردازیم.

→ تغییر حالت از شیدایی؛ یعنی هیجان زندگی و تحرک شادمانهٔ زیاد به افسردگی و کم شدن تحرک و فعالیت و یا برعکس آن و گاه وجود هر دو این حالتها با هم است.

1. Bahia

2. James C. Coleman, *Abnormal Psychology and Modern Life*, Chicago: Scott, Foresman and company, 1956, P. 313.